

نگاهی به تصحیح تاریخ بیهق

۲۳۹-۲۴۹

چکیده: کتاب تاریخ بیهق تألیف ابوالحسن علی بن زید بیهقی یکی از منابع مهم تاریخ‌نگاری شهری است که موضوع آن به جغرافیای تاریخی بیهق اختصاص دارد و در زمره کهن‌ترین کتابهای تاریخ محلی به زبان فارسی به شمار می‌رود. بخش عمده این کتاب منحصر است به معرفی بزرگان علم و ادب و سیاست که به شهر بیهق و خاندانهای برجسته آن از جمله سادات منسوبند. تاریخ بیهق در مقایسه با دیگر تاریخهای محلی جایگاه ویژه‌ای دارد چرا که از یک سو شرح حال نامداران و علمای دینی را در بر دارد و از سوی دیگر تذکرةای است درباره شاعران و ادیبان ناحیه بیهق. همچنین آگاهیهای ارزشمند و گاه منحصر به فردی درباره دولتمردان و فقیهان و طبیبان و منجمان و ریاضیدانان این منطقه و نیز مدارس، کتابخانه‌ها، خانقاهها، محله‌ها و روستاهای وابسته به شهر بیهق ارائه داده است.

اهمیت این اثر سبب شده است تا استادان بنامی همچون احمد بهمنیار و سید کلیم‌الله حسینی قاری آن را تصحیح و منتشر کنند و استاد یوسف الهادی آن را به عربی ترجمه و به دست انتشار بسپارد. در اواخر سال ۱۴۰۰ تصحیح جدیدی از این اثر به کوشش سلمان ساکت، عضو هیات علمی دانشکاه فردوسی مشهد عرضه شده که نسبت به دو تصحیح پیشین مزیت‌های قابل توجهی دارد. در این جستار ویژگیهای تصحیح جدید بررسی و پیشنهادهایی در جهت تکمیل کار ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: تاریخ بیهق، ابوالحسن بیهقی، تاریخ‌نگاری محلی، تصحیح متن.

تاریخ بیهق، ابوالحسن علی بن زید، تصحیح سلمان ساکت،

میراث مکتوب، ۱۴۰۰

A Look at Editing of the Book *Tārīkh-e Beyhaq*

(Dr. Salman Sākit, *Written Heritage*, 1400)

Asghar Ershad Sarabi

Abstract: The book «*Tārīkh-e Beyhaq*», «History of Beyhaq» written by ‘Abul Ḥasan Ali bin Zayd Beyhaqī is one of the important sources of urban historiography, which is dedicated to the historical geography of Beyhaq and is considered among the oldest local history books in the Persian language. The main part of this book is dedicated to the introduction of great scholars of science, literature, and politics who are related to the city of Beyhaq and its prominent families, including Sadat (the Prophet’s descendants). The history of Beyhaq has a special place compared to other local histories, because on the one hand, it contains the biographies of notables and religious scholars, and on the other hand, it gives information about the poets and writers of Beyhaq region. It has also provided valuable and sometimes unique information about statesmen, jurists, doctors, astrologers, and mathematicians of this region, as well as schools, libraries, monasteries, neighborhoods, and villages related to Beyhaq city.

The importance of this work has caused renowned professors such as Ahmad Bahmanyar and Seyed Kalimullah Hosseini Qāri to edit and publish it, and Professor Yusuf Al-Hadi translated it into Arabic and have it published. At the end of 1400, a new edition of this work was published by the efforts of Salman Sākit, a faculty member of Ferdowsi University of Mashhad, which has significant advantages compared to the previous two editions. In this essay, the features of the new edition are reviewed and suggestions are presented to complete the work.

Keywords: History of Beyhaq, ‘Abul Hasan Beyhaqī, Local Historiography, Text Edition.

ای گل که بادا ساغرت سرشار، زان می که غم‌گناه است و عشرت‌زا
با آنکه خون دل‌گوارا نیست، از بادۀ ماهم لبی تر کن

«روانشاد محمد قهرمان»^۱

خردمندان درست گفته‌اند که گذشته چراغ راه آیندگان است. بی‌شک اگر مردمان سرزمینی از چند و چون تاریخ دیرینه خود بی‌خبر بمانند، تجربه‌ای برای رویارویی با حادثه‌ها درگیر و دار زندگی نخواهند داشت. اما چنانچه ملتی از خود بیگانه نشده باشد و گذشته تاریخی خود را به نیکی بداند، در پیمودن راه درست، دچار کژی و گمراهی نمی‌شود؛ همچنان‌که اگر تاریخ ملت‌ها همان‌گونه که روی داده است، به حقیقت نوشته می‌شد مورخان در بازشناسی وقایع، این همه دستخوش رنج و سردرگمی نمی‌شدند. دریغ که راست‌کاری و حقیقت‌گویی در تاریخ‌های رسمی، کمتر روی نموده است به طوری که حتی اگر در محتوا و شکل و شمایل حادثه‌ای که در زمانی نه چندان دور روی داده، تحریفی صورت نگیرد، دست‌کم گزینش و ممیزی در نقل آن امری معمولی و عادی می‌نماید. در عین حال، کتاب‌های تاریخی هر قوم و ملتی حافظه و به تعبیری بایگانی آن مردم است.

تأکید قرآن مجید و احادیث و روایات در مورد مطالعه تاریخ و عبرت گرفتن از سرگذشت پیشینیان، بیانگر آن است که می‌توان از لابه‌لای آن‌ها واقعیات را دریافت و به نوعی از استقلال فکری و سیاسی رسید. و اما از شمار منابع مورخان در نقل حوادث و رویدادها، یک دسته هم‌آثاری است که درباره تاریخ و جغرافیای شهرهای محل تولد خود نوشته‌اند. از این منظر تاریخ‌نگاری شهری در قالب تک‌نگارانه از مهم‌ترین منابع دانش‌های جغرافیایی - تاریخی است که بر اساس تحقیقات میدانی و جز آن تألیف شده و مشتمل بر آگاهی‌هایی در زمینه‌های مختلف مانند موقعیت جغرافیایی، آب و هوا، محصولات، شرح رجال و دانشمندان علمی، سیاسی و مذهبی، رویدادها، باورها، آداب و رسوم، آثار و بناهای تاریخی و غیره است.

کتاب ارجمند تاریخ بیهق تألیف ابوالحسن علی بن زید بیهقی (۴۹۰-۵۶۵) ملقب به ظهیرالدین و مشهور به «ابن فندق» و «فرید خراسان» یکی از جمله منابع تاریخ‌نگاری شهری است که موضوع آن به جغرافیای تاریخی بیهق اختصاص دارد و در زمره قدیمی‌ترین کتاب‌های تاریخ محلی به زبان فارسی محسوب می‌شود.

بخش عمده کتاب تاریخ بیهق، منحصر به معرفی رجال علم، ادب و سیاست منسوب به شهر بیهق و خاندان‌های برجسته آن از جمله سادات است که پیوندهای خانوادگی آنان با خاندان‌های حکومتی و علمی منطقه بر قلم این تاریخ‌نگار رفته است. بیهقی، دانشمندی است ذوفنون و جامع‌الاطراف

۱. ر.ک، همو، برگرفته از غزلی با عنوان: «با مهربانی با دلم سر کن»، به نقل از مجله بخارا، شماره ۸۴، آذر - دی ۱۳۹۰، ص ۲۰۷.

و در علوم قرآنی، انساب، تاریخ، ادبیات، ریاضی، نجوم و فلسفه صاحب نظر و از برجسته ترین نسب شناسان علوی خراسان به شمار می رود. وی پس از تألیف اثر لباب الانساب و الالقاب الاعقاب اثر دیگرش را به نام تاریخ بیهق در سال ۵۳۶ هـ.ق تألیف کرد و در حمایت نقبای سادات، اخبار و انساب را با کوشش فراوان و وقت بسیار گرد آورد.^۲

بیهقی در تاریخ بیهق نام و آثار بسیاری از حکیمان، طبیبان، منجمان و ریاضیدانان این شهر را تا نیمه قرن ششم آورده است. از این نظر کتاب وی در مقایسه با تاریخ های محلی دیگر، جایگاه ویژه ای دارد؛ زیرا هم شرح حال نامداران و علمای دینی را در بر دارد و هم تذکره ای درباره شاعران و ادیبان ناحیه بیهق به حساب می آید. وی در خلال تألیف خود اطلاعات ارزشمندی در مورد فرمانروایان، وزیران، سرداران، فقیهان، مدارس، کتابخانه ها، خانقاه ها، محله ها، میدان ها و روستاهای وابسته به شهر ارائه داده است. علاوه بر این ها گزارش هایی از دیده ها و شنیده های خود عرضه کرده که منحصر به فرد است و در هیچ اثر دیگری یافت نمی شود. همچنین در تدوین و نگارش این کتاب، از آثاری نام برده که برخی از آن ها در گذر ایام از میان رفته است.^۳

تاریخ بیهق دارای یک مقدمه و نه باب است: باب اول در «فضایل بیهق»، باب دوم در «ذکر هوای بیهق»، باب سوم در «اشتقاق لفظ بیهق و حدود آن»، باب چهارم در بیان «بنای سبزواری و وقایع عظام» که اینجا افتاده است، باب پنجم «ذکر خاندان های قدیم و شریف در این ناحیت»، باب ششم در «ذکر علما و اعمه و افاضل که از این ناحیت برخاسته اند»، باب هفتم در «ذکر وقایع عظام»، باب هشتم «در غرایب چیزها که از بیهق خیزد» و باب نهم «فی خاتمة الکتاب» که در آن از شکسته دلی افاضل روزگار و پژمردگی احوال علما شکایت کرده و پیران علما را در میان جوانان چون خرقة کهنه بر حادثه نودوخته و میوه خشک در میان میوه تر دانسته و سپس به «مواعظ و نصایح» پرداخته و عیوب دنیا را در ده وجه عرضه داشته و سرانجام اثر خود را با این عبارت ها به پایان برده است: «تمام شد این کتاب تاریخ بیهق بحول الله تعالی و قوته، فانه لاحول و لا قوة الا بالله، و آنچه مقدار وسیع و امکان و طاقت بشریت و استعداد این مصتف بود، در این باب مبذول داشته آمد، حق تعالی این گذشتگان را از رحمت و مغفرت خویش نصیب کامل و حظ وافر به ارزانی داراد و ماندگان را بر قاعده شریعت و سنت ثبات قدم روزی کناد بحق النبی و آله و اصحابه و عترته الاخیار الابرار. و فرغ المصتف رحمها لله من نسخ هذا الکتاب فی الرابع من الشوال سنه ثلاث و ستین و خمسمائة بقریه ششتمد».

اهمیت کتاب تاریخ بیهق موجب گردید تا پیش از تصحیح استاد سلمان ساکت، دانشمندان بلند مرتبه ای مانند محمد قزوینی، احمد بهمنیار، سید کلیم الله حسینی قاری، سعید نفیسی و یوسف

۲. ر.ک: دکتر اسماعیل رضایی برجکی، جایگاه و نقش تمدنی سادات خراسان (از قرن چهارم تا پایان قرن نهم)، بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۰.

۳. ر.ک: دکتر سلمان ساکت، تاریخ بیهق، مقدمه مصحح، صفحه شصت و چهار.

الهادی (مترجم این کتاب به عربی) هریک به نوعی به شناساندن و معرفی و تحقیق و یا تصحیح آن پرداختند.

تاریخ بیهق پیش از چاپ مذکور، دو بار تصحیح و منتشر شده است. نخستین بار زنده یاد استاد احمد بهمنیار با دانش کم نظیر خود در ادب فارسی و عربی و نیز استفاده از منابع محلی و تحقیقات میدانی آن را بر اساس دو نسخه موزه بریتانیا و کتابخانه عمومی برلین تصحیح و در سال ۱۳۱۷ خورشیدی منتشر کرده است. وی نسخه موزه بریتانیا را اصل قرار داده و با نسخه برلین مقابله کرده و هرگاه هر دو نسخه را نادرست تشخیص داده، صورت پیشنهادی خود را در متن قرار داده و ضبط هر دو نسخه را در پانویس آورده و گاهی هم که وجه صحیح را حتی به حدس و احتمال درنیافته با لفظ «کذا» آن را مشخص کرده است. تعلیقات وی در پایان کتاب (۳۲ صفحه)

تاریخ سبق

ابوالحسن علی بن زین العابدین معروف به ابن مقد

(۴۱۰-۵۵۵ ه.ق.)

تصحیح بیهق

سلمان ساکت

اغلب کوتاه و سودمند و بیشتر در مورد غوامض متن و توضیح در مورد نام‌ها و وقایع تاریخی است. علاوه بر آن دو فهرست، یکی «شرح و توضیح بعضی کلمات و عبارات به ترتیب حروف تهجی» (۲۷ صفحه) در شرح لغات دشوار، اشخاص و مکان‌هاست و دیگر «فهرست مطالب اصلی کتاب» (۶ صفحه) که فهرست عنوان‌ها و نام اشخاص است. به هر حال، مطابق رسم روزگار ما که فهارس پایانی کتاب‌ها نقش عمده‌ای در تسهیل تحقیقات پژوهندگان دارد فهرست‌های استاد بهمنیار کافی و راهگشا نیست. استاد ساکت هم در مقدمه تصحیح خود (ص هشتاد و چهار) در مورد چاپ مرحوم بهمنیار متذکر شده است که: «کتاب فاقد نمایه و فهرست‌های متنوع است و تنها فهرستی از مطالب آن پس از تعلیقات آمده ... این فهرست به هیچ روی نیاز متخصصان و پژوهشگران را برطرف نمی‌سازد و نقشی بیش از همان «فهرست مطالب» ندارد».

تصحیح دوم به کوشش قاری سید کلیم‌الله حسینی، استاد دانشگاه عثمانیه با مقابله سه نسخه لندن، برلین و تاشکند در شهر حیدرآباد دکن تصحیح شد و در سال ۱۳۴۷ ش / ۱۳۸۸ ق / ۱۹۶۸ م. انتشار یافت. دکتر ساکت این تصحیح را در مقدمه خود (صص هشتاد و پنج و هشتاد و شش) با سه مزیت بر تصحیح استاد بهمنیار برتری داده است: ۱. مصحح علاوه بر دو نسخه لندن و برلین، از نسخه تاشکند نیز استفاده کرده و اختلاف ضبط‌های آن را در پانویس به دست داده است ... ۲. مصحح مقدمه‌ای مفصل در شرح احوال و آثار ابوالحسن بیهقی به زبان انگلیسی نوشته است که تا آن زمان بهترین و کامل‌ترین پژوهش درباره بیهقی به شمار می‌رفته است ... ۳. مصحح سه فهرست «نام‌های کسان و نسبت‌ها»، «جای‌ها و قبیل‌ها» و «کتابها» را در آخر کتاب آورده است که با توجه به گستردگی و تنوع مطالب در تاریخ بیهق، برای محققان و پژوهشگران مغتنم و راهگشا بوده است».

و اما در تصحیح سوم، استاد ساکت نیز بر اساس سه نسخه لندن، برلین و تاشکند تصحیح خود را انجام داده و نسخه لندن را اساس قرار داده و با دو نسخه دیگر مقابله کرده و در مواردی که نسخه اساس را نادرست تشخیص داده، آن را به پانوشت برده و ضبط یکی از دو نسخه دیگر و اغلب نسخه برلین را در متن نشانده و در پانوشت به آن اشاره کرده و در جاهایی هم که هیچ کدام از سه نسخه در تصحیح واژه یا عبارت راهگشا نبوده، بر پایه دانسته‌های خود و بهره بردن از منابع جانبی و آثار تاریخی و حدیثی و ادبی به صورت قیاسی به تصحیح پرداخته و ضمن به دست دادن ضبط هر سه نسخه در پانوشت، در تعلیقات علت آن را توضیح داده است. قابل یادآوری است که وی در تصحیح خود به ضبط‌های مختار و اشتباه‌های استاد بهمنیار هم عنایت فائقه داشته و با نشانه «م» به آن‌ها اشاره کرده است.

این نکته قابل یادآوری است که کار تصحیح متن با ریزه‌کاری‌ها و تنگناهایی که دارد، بسیار دشوار و زمان‌گیر است و علاوه بر شایستگی و اهلیت و آشنایی مصحح به منطق زبانی و فکری مؤلف، به نوعی تیزهوشی و ذوقمندی هم نیاز دارد. از این رو تصحیح متونی که نسخه بدل‌های قابل اعتماد و متنوع ندارند، تنها از عهده صاحب‌همت‌ان دل‌آگاه و دانشمند برمی‌آید؛ کاری که دقت، حوصله، دانش و تجربت می‌طلبد تا مصحح بتواند متنی را نزدیک به دست‌نویس مؤلف ارائه دهد.

هر سه نسخه باقی‌مانده از تاریخ بیهق به نسبت جدیدند و از سده نهم به این سو کتابت شده‌اند و هر چند که از این میان دست‌نویس موزه بریتانیا از نظر صحت و اعتبار، بهترین نسخه شناخته شده، در عین حال مصحح‌گرایی به سبب نبود نسخه‌ای معتبر و مضبوط، مانند مرحوم بهمنیار ناچار شده در مواردی اجتهاد عالمانه کرده و حتی‌الامکان کوشیده است غبار بدخواهی‌ها و تصرفات کاتبان را از چهره این اثر ارزشمند بزاید.

بی‌مناسبت نیست یادآور شوم که در میان مصححان بار دوم یا سوم از یک اثر، متأسفانه چنین مرسوم شده که به تلویح یا تصریح، به حق یا به ناحق، زحمات تصحیح‌کننده پیشین را ضایع کرده، خطاها و عیب‌های کار او را آشکار و کاستی‌ها و نقصان تصحیح خود را پنهان نموده‌اند، چنان‌که به قول سعدی:

ای هنرها نهاده بر کف دست عیب‌ها برگرفته زیر بغل

اما دکتر ساکت، فضل تقدّم و تقدّم فضل روانشاد استاد بهمنیار را حرمت داشته و ثمره کار او را ناچیز نکرده و جای جای از آن به نیکی یاد کرده و تصحیحات او را تأیید کرده است. سپاس داری وی از آن استاد فقید، قابل تحسین است و نشان از سعه صدر و نیک‌نهادی و بزرگی مرتبت و فتوت وی دارد. و اما آنچه تصحیح دکتر ساکت را بر چاپ‌های پیشین تاریخ بیهق برتری می‌دهد، علاوه بر دقت،

شیوه‌مندی، روش استدلالی و تبخّر؛ تعلیقات مفصل و فهارس گوناگون آن است؛ زیرا متن تاریخ بیهق سرشار از اطلاعات و آگاهی‌های گوناگون است و با حوزه‌های مختلف تاریخی، جغرافیایی، ادبی، رجالی، حدیثی و... پیوند دارد. از این رو فهرست‌های آن: آیه‌ها؛ حدیث‌های قدسی و نبوی؛ نام‌ها، لقب‌ها و نسب‌ها؛ گروه‌ها، قبیله‌ها و فرقه‌ها؛ جای‌ها؛ اشعار فارسی؛ اشعار تازی؛ واژه‌ها، ترکیبات و اصطلاحات؛ کتاب‌ها؛ مثل‌ها و مثل‌واره‌های فارسی؛ مثل‌های عربی؛ درختان و گیاهان؛ حیوانات؛ داروها، عطرها، خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها؛ کانی‌ها و سنگ‌ها؛ پوشاک، زیورها، سکه‌ها و ابزارها؛ اصطلاحات نجومی و طالع‌بینی؛ بیماری‌ها و بلاهای طبیعی اهمیت ویژه‌ای دارد و می‌تواند به پژوهندگان یاری برساند. اما مهم‌تر از این فهرست‌ها، تعلیقات متنوع، گسترده و مستند آن است به طوری که آنچه خواننده برای شناخت و دریافت بهتر متن به آن نیاز دارد در ۲۳۶ صفحه فراهم آمده است. همچنین «مآخذ مقدمه و تعلیقات» مشتمل بر زبان‌های فارسی، عربی و انگلیسی (۳۰ صفحه) به خودی خود کتابنامه ارجمندی است که به شیوه‌اهل تحقیق در پایان کتاب آمده و علاوه بر آنکه غور و گستردگی مطالعات مصحح را در این باره نشان می‌دهد، از خلال آن‌ها می‌توان دریافت چه کتاب‌هایی مورد استفاده‌اش بوده و از میان چاپ‌های متفاوت برخی منابع، کدام یک را پسندیده است. وی در تعلیقاتش، شیوه تحقیق دانشگاهی و مرجع‌شناسی علمی را در پژوهش‌های ادبی در نظر داشته و به همین سبب همه منابع را دیده و متواضعانه تمامی اقوال را بیان کرده و استنباط‌های شخصی خود را بیان کرده است؛ به طوری که پژوهندگان - اعم از استاد و دانشجو - می‌توانند از آن بهره‌مند شوند.

چنانچه بخواهیم سطری از محاسن کار تصحیح و ظرایف چاپ تاریخ بیهق را در این نوبت بر سبیل اجمال - اَدَّالِیْعُضِ مَا یَجِبُ عَلَیْ مِنَ الشُّكْرِ - برشماریم تا مزایای آن و کوشش استاد ساکت در پرده خمول نماند، موارد ذیل را می‌توان در دو قسمت عرضه داشت:

الف: به لحاظ محتوایی و تصحیح متن:

- نظام‌مندی و یکدستی شیوه تصحیح؛
- مقدمه مبسوط و تحلیل عصر بیهقی (نود و سه صفحه) با نثری سخته و استوار؛
- کوشش در نشان دادن صحت متن و توغل در تشخیص برخی غوامض نسخه‌ها؛

۴. شامل تاریخ‌نگاری محلی در ایران، زندگی‌نامه بیهقی (نام، نسب و القاب)، تبار و خاندان، تولد و آموزش‌های آغازین، استادان و شرح احوال و سفرها، شاگردان بیهقی، معاصران بیهقی، مذهب بیهقی، آثار بیهقی، شعر بیهقی، آرامگاه بیهقی، سال‌شمار زندگی ابوالحسن بیهقی، شجره‌نامه ابوالحسن بیهقی، تاریخ بیهق، انگیزه بیهقی از نگارش تاریخ بیهق، منابع بیهقی، ساختار کتاب، اهمیت تاریخ بیهق، سبک تاریخ بیهق، چاپ‌ها، ترجمه عربی تاریخ بیهق به قلم یوسف الهادی، نسخه‌های تاریخ بیهق، شیوه تصحیح، همراه با ارائه تصویر آغاز و انجام نسخه‌های اساس (لندن، برلین و تاشکند. به واقع، در این مقدمه می‌توان گفت که فرهنگ دوره بیهقی و سبک و دیدگاه وی در ذهن استاد ساکت گوارده شده و سپس بر قلم او رفته و در این تصحیح نمود یافته است.

- اعراب‌گذاری اشعار و عبارت‌های عربی و ترجمه آن‌ها به فارسی با نشی روان و معیار؛
- حرف‌نگاری چشم‌نواز و دقت در درستی متن (فقط یک یا دو غلط تایپی به آن راه یافته مانند صفحه بیست و یک مقدمه: مقلّب / ملقّب)؛
- پاراگراف‌نویسی و جدا کردن واحدهای مستقل به لحاظ بافتار معنایی؛
- سجاوندی و دقت در کاربرد نشانه‌ها برای درک صحیح از عبارت‌ها؛
- پی‌نوشت‌های پرارزش برای روشنی مطلب در مقام استدلال؛
- تعلیقات مفصل و گسترده در شرح اشخاص، جای‌ها، کتاب‌ها، اشعار و ارائه منابع آن‌ها.

ب: به لحاظ صوری و کتاب‌آرایی:

- اتحاف کتاب با یاد استاد روانشاد دکتر رضا انزابی نژاد و تقدیم آن به چهار فرزانه که هر یک سهمی بسزا در معرفی ابوالحسن بیهقی و تاریخ بیهق داشته‌اند: علامه محمد قزوینی، احمد بهمنیار، دکتر قاری سید کلیم‌الله حسینی و استاد یوسف الهادی؛
- شکل و شمایل زیبا و برازندگی و چشم‌نوازی کلیت کتاب؛
- سلیقه‌مندی در فونت (اندازه) خط و فصول کتاب؛
- کیفیت شیرازه و نوع مطلوب ته‌دوزی آن؛
- شیوه‌مندی در ترتیب فهرست‌ها و منابع؛
- صفحه‌آرایی و تجلید مناسب و درخور.

بی‌شک و شبهه کوشش‌های استاد ساکت در این تصحیح زیننده قدردانی و دست‌مریزاد است، چنانچه در پهنه آن بحر عظیم چند کاستی نازک هم به ذهن این محرّر شکسته‌قلم رسیده باشد، رخنه‌ای در آن پدید نمی‌آورد. با سعه صدر و بزرگ‌منشی که در استاد ساکت سراغ دارم امیدوارم خردک مواردی را که در این سطور برمی‌شمارم در مقام احتمال در آن‌ها بنگرند:

۵. برخی از اشعار عربی تاریخ بیهق را با آنچه در کتاب سودمند ابیات عربی در متون ادب فارسی تا قرن هشتم تألیف دکتر حسین فقیهی (تهران، دانشگاه الزهراء، چاپ اول، ۱۳۸۱) به لحاظ اعراب‌گذاری و ترجمه مقایسه کردم و ترجمه دکتر ساکت را رستار و اعراب‌گذاری وی را دقیق‌تر یافتم، چنان‌که به عنوان مثال در این دو بیت:

أولئك آباءي فجنيني بمثلهم إذا جمعتنا يا جريز المجامع [در تصحیح بهمنیار یا کلب] ای جریر! اینان نیاکان من‌اند، هرگاه انجمنها ما را گرد یکدیگر فراهم می‌آورد، تو نیز همانند ایشان

ترجمه دکتر فقیهی، ص ۱۵۳: ای جریر، هرگاه که مجامع ما را در خود گرد آورد، آنان بزرگان ما هستند که اگر می‌توانی همانند آنها را به ما بنمایان.

ترجمه دکتر ساکت، ص ۴۱۲: ای جریر! اینان نیاکان من‌اند، هرگاه انجمنها ما را گرد یکدیگر فراهم می‌آورد، تو نیز همانند ایشان را بیاور (برشمار). بیت از قصیده مشهور فرزاد (م: ۱۱۰ ق.). به مطلع «و منا الذی اختیر الرجال سماخه / و خیر إذا هب الرياح الزعاع» است در هجو جریر (دیوان الفرزدق، ۴۱۸/۱ و جامع‌الشواهد، ۲۷۶/۱).

كُلُّ نَهْرٍ فِيهِ مَاءٌ قَدْ جَرِيَ فإليه الماء يومئذ سَعُودٌ

ترجمه کتر فقیهی، ص ۴۲۵: هر رودخانه‌ای را آبی جاریست که روزی دوباره به سوی آن برگردد.

ترجمه دکتر ساکت، ص ۴۱۶: هر جویباری که در آن آب بوده است، به زودی آب به آن باز می‌گردد.

- در تصحیح التقاطی مصحح ناچار است، اشتہاد کرده و از میان نسخه‌ها، موردی را کہ به نظرش درست می‌رسد برگزیند. از این روی اختلاف نسخه بدل‌ها وقتی ارزشمند است کہ به تغییر معنایی، تبدلات آوایی، واژه‌شناسی، گویشی، گونه‌های زبانی (زبان کاربردی هر حوزه)، شیوہ و سبک نویسنده یاری رساند و الاثبات اختلافات جزئی در شمار اصول تصحیح قرار نمی‌گیرد. به طور کلی، اصلی در فن تصحیح وجود دارد و آن اینکہ تغییر نسخه اساس به نسخه بدل چه تغییری در معنا و خوانش متن پیش می‌آورد.

- دکتر ساکت، تقریباً ۲۳۸ بار به تصحیح قیاسی پرداخته است کہ غالباً منطبق و مؤید همان تصحیحات اسناد بهمینار است. به عنوان مثال اسناد بهمینار در عبارت صفحہ ۴ تصحیح خود: «و از علم میزان دلہا در تفکر و اقاویل برتبہ اطمینان رسد» در زینویس آورده است: «نص: و از علوم». دکتر ساکت ہم در صفحہ ۴ تصحیح خود، ہمین گونه به تصحیح پرداخته و در ذیل صفحہ آورده: ل و ت: علوم؛ متن تصحیح قیاسی. و یا در این عبارت: «در یمامہ و ہندوستان کمتر کسی میرد کہ عمر او از پنجہ و ہفت کمتر بود و اگر میرد نادر بود» صفحہ ۳۱ تصحیح بهمینار و در ذیل صفحہ آورده: در هر دو نسخه چنین و ظاہراً (بیشتر) بوده و تحریف شدہ است، و دکتر ساکت ہم در ذیل صفحہ ۴۵ زینویس ۱۵ آورده: کذا در ہمہ نسخه‌ها، بہ نظر «بیشتر» صحیح است. مواردی را ہم کہ استاد بهمینار بہ سبب «محو» یا «مخدوش» بودن نسخه‌ها نتوانستہ است دریابد، دکتر ساکت ہم در حل و گشودن آن‌ها معطل مانده است (مانند صفحات ۱، ۲۹۲ تصحیح بهمینار مطابق با صفحات ۱۰ و ۴۱۰ تصحیح دکتر ساکت). در بعضی صفحات ہم با تصحیحات استاد بهمینار، نعل بالنعل مطابقت ندارد چنان کہ در این عبارت: «چنین آورده اند کہ پادشاهی غافل بود، روزی می‌گذشت با وزیر عالم عاقل، مردی را دید کرہ المنظر جامہ از خرقة مزبلہ بر ہم پیوستہ و موی و ناخن ناچیدہ در داش گرمابہ بر خاکستر نشستہ» تصحیح بهمینار، ص ۲۸۸. «چنین آورده اند کہ پادشاهی غافل بود، روزی می‌گذشت با وزیر عالم عاقل، مردی را دید کرہ المنظر جامہ از خرقة مزبلہ بر ہم پیراستہ و موی و ناخن ناچیدہ، در داش گرمابہ بر خاکستر نشستہ» تصحیح دکتر ساکت، ص ۴۰۳ کہ تصحیح استاد بهمینار مناسب‌تر می‌نماید. و یا «بچہ کار آیدت جسد بی‌روح» تصحیح بهمینار، ص ۶. «چہ بہ کار آیدت جسد بی‌روح» تصحیح ساکت، ص ۷.

- آنچه را کہ دکتر ساکت در مورد فاصلہ روستاہای متعلق بہ سبزوار در تعلیقات و فہرست‌های خود آورده، همان ہاست کہ استاد بهمینار در حدود سال انتشار تصحیح خود (۱۳۱۷ ش) با استفادہ از دانشمندان و جغرافیدانان محلی آورده است. با گسترش سبزوار و تغییر راہ‌ها، امروز، این نوع اطلاعات بیات شدہ و فاقد اعتبار است. در تصحیح این نوع کتاب‌ها کہ نام روستاہای بسیاری در آن‌ها آمدہ است، لازم می‌نماید بر اساس آخرین آمارنامہ‌های رسمی مستندسازی شوند، زیرا برخی از روستاہا متروک شدہ و برخی تغییر نام یافتہ، حتی تعدادی در تقسیمات سیاسی جزو بخش‌ها و شہرہای

دیگر قرار گرفته‌اند.^۶ چنان‌که به عنوان مثال بازقند، چهارشک و سنقریدر یا سنقریدر امروزه به رازقند، چرگ و سنگلیدر تغییر نام یافته‌اند.

- دکتر ساکت در ضبط و تلفظ واژه‌ها نهایت کوشش را به کار بسته است؛ اما گهگاه برخی واژه‌ها در متن و تعلیقات و نیز در فهرست واژه‌ها، ترکیبات و اصطلاحات مشکول نشده مانند واژه «برود» در صفحه ۱ متن و تعلیقات، صفحه ۴۱۱ و نیز ۷۳۷؛ اما «برود» به فتح اول است و همچنان‌که در تعلیقات توضیح داده‌اند به معنی داروی چشمه و سرمه است. استاد بهمینار هم در حاشیه صفحه ۱ تصحیح خود، آن را به فتح اول تذکر داده است.

- دکتر ساکت در بخش تعلیقات تصحیح خود، برای نشان دادن محل واژه در صفحات متن، هم به شماره صفحه و هم به سطر آن اشاره کرده تا پژوهنده بتواند جای آن را به سرعت پیدا کند. اما متأسفانه این کتاب فاقد سطرشمار در طرفین صفحات است. زیننده این نوع تصحیحات، داشتن سطرشمار است تا محقق به راحتی و با سرعت بتواند واژه یا مطلب مورد نظر را پیدا کند.

- بیهقی در برخی از صفحات تاریخ خود به مناسبت موضوع به آیات قرآن مجید استشهاد کرده است. به این سبب دکتر ساکت، شماره سوره و آیه را در کنار آن، داخل قلاب در متن آورده است. هر چند این کار، دسترسی پژوهندگان را به آیه مورد نظر آسان می‌کند؛ اما معمول آن است در ذیل صفحات متن درج گردد، چنان‌که در تفسیر ابوالفتوح رازی - به تصحیح دکتر محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، چاپ بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی - به کار رفته است.

- دکتر ساکت در رسم الخط این تصحیح به لحاظ پیوسته نویسی و جدانویسی (وصل و فصل) واژه‌ها کوشش داشته است، در عین حال در برخی صفحات، عدم هماهنگی دیده می‌شود، چنان‌که در صفحه ۵۶۷ پیشوند «می» در «میرسد» پیوسته نوشته شده و در همان عبارت «می شود» به صورت منفصل. همچنین در صفحه ۵۹۸ در عبارت: «سه گروه از امت من هستند که آسمانها و زمین و فرشتگان برای آنان طلب استغفار و بخشش می‌کنند» مقصود دکتر ساکت از کاربرد «بخشش» معنای «بخشایش» و عفو و گذشتن از گناه بوده است. درست است که امروزه «بخشش» از بن مضارع «بخش» در معنای «بخشایش» از بن مضارع «بخشایش» به کار می‌رود؛ اما همان‌گونه که در سایر صفحات به درستی «بخشایش» را به کار برده‌اند، در این صفحه نیز بهتر آن بود که درست نویسی را به کار می‌بستند.

- دکتر ساکت در زیرنویس صفحه بیست و سه مقدمه تصحیح تاریخ بیهقی، از مقاله‌ای به نام

۶. به عنوان مثال دکتر رضا نقدی در تصحیح و تحقیق خود به نام جغرافیا و نفوس خراسان در عصر ناصری، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۹۰، تمام روستاهای آمده در این کتاب و از جمله روستاهای سبزواری بر اساس آمارنامه ۱۳۷۵ مستندسازی کرده است.

«بیهقی، ابوالحسن، دانشنامه زبان و ادب فارسی، ۱۰۶/۲» یاد کرده است. اما در فهرست «مآخذ مقدمه و تعلیقات» و فهرست «مقاله‌ها» نام نویسنده این مقاله و مشخصات آن نیامده است.

در پایان، بر این باورم که استاد سلمان ساکت در تصحیح تاریخ بیهقی و شرح و توضیح مبهمات متن در بخش تعلیقات (۲۳۶ صفحه) و تنظیم فهرس گوناگون (۱۴۴ صفحه) به مصداق: «وَمَنْ قَصَدَ الْبَحْرَ اسْتَقْلَّ السَّوَابِقِ» رنج چندین ساله را ناچیز شمرده و از هیچ کوششی دریغ نورزیده است. جای بسی امیدواری است که برخلاف سیره مؤلفان بازاری، هنوز چراغ دقت و امانت نمرده و از آن دوره‌ای که به قول انوری برای سرودن یک قصیده تحمل زحمت می‌کرده و به قول خود صد بار به عقده در می‌شده تا از عهده یک سخن به درآید، هنوز اندک مایه چیز باقی مانده است.

توانم گفت که تصحیح دکتر ساکت به لحاظ صحت متن و آراستگی در مقایسه با چاپ مرحوم استاد بهمنیار، نوعاً هفت کرده^۷ را ماند. از این روی استقصا و بیداری‌های این استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد را ارج می‌نهم و از درگاه خداوند، توفیقات روزافزونش را همراه با عمر دراز بی‌گزند و بخت بلند تمنا می‌کنم.

تَحِيَّاتٌ كَأَنْفَاسِ الْعَوَالِي تَمَارِجَ عَزْفَهَا رِيحُ الشَّمَالِ^۸

۷. زنی که هفت قلم (شامل: حنا، زرک، سرخاب، سرمه، سفیداب، غالبه، و وسمه) آرایش کرده باشد. رک. فرهنگ سخن، دکتر حسن انوری.

۸. درودی جو بوی خوش عطرها گران بها که نسیم شمال با آن بوی خوش درآمیخته باشد.